



## تسهیل روابط تجاری ایران و اتریش

نشست همکاری‌های اقتصادی ایران و اتریش با حضور «حامد فروزان»، مدیر کل امور بین‌الملل وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی، «علی رستمی»، مدیرعامل شرکت سرمایه‌گذاری تأمین اجتماعی و «کریستوف گراب مایر»، رئیس دفتر بازرگانی اتریش برگزار شد. حامد فروزان در این نشست با اشاره به سابقه طولانی روابط تجاری ایران و اتریش گفت: «در دولت سیزدهم، عزم جدی برای گسترش روابط تجاری، دیپلماسی و اقتصادی وجود دارد که وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی آن را به‌طور ویژه دنبال می‌کند.» وی افزود: «هدف از برگزاری این نشست، تسهیل روابط میان مجموعه‌های اقتصادی، تجاری ایران و اتریش است.» وی با تأکید بر ظرفیت‌های شرکت سرمایه‌گذاری تأمین اجتماعی گفت: «به صورت رسمی از سفیر اتریش برای بازدید حضوری و میدانی هلدینگ‌های زیرمجموعه شرکت شستا دعوت می‌کنیم.» فروزان خاطر نشان کرد:

«پیش‌نویس تفاهمنامه همکاری در حوزه فعالیت‌های مرتبط با وزارتخانه و کشور اتریش آماده است که امیدواریم امضاء شده و عملیاتی شود.» علی رستمی، مدیرعامل شرکت سرمایه‌گذاری تأمین اجتماعی نیز در این نشست با اشاره به ظرفیت‌های شستا، آن را بزرگ‌ترین مجموعه اقتصادی کشور دانست و تشریح کرد: «شستا در بورس تهران ثبت شده و ۱۲ درصد بازار سرمایه را تشکیل می‌دهد که دارای هشت هلدینگ سرمایه‌گذاری تولیدی، صنعتی و اقتصادی است.» مدیرعامل شستابه ظرفیت‌های درونی این شرکت در سرمایه‌گذاری و ایجاد پروژه‌های عظیم اقتصادی اشاره کرد و گفت: «در شستا، عددی بالغ بر ۴۰۰ هزار میلیارد تومان سرمایه‌گذاری، برنامه‌ریزی شده که هم‌اکنون بیش از ۴۰ هزار میلیارد تومان پروژه در دست اقدام داریم.» رستمی، پروژه‌های توسعه‌ای را از مهمترین موضوعات شستا دانست و با اشاره به برخی از هلدینگ‌ها بزرگ شستا، گفت: «تاپیکو، بزرگ‌ترین هلدینگ اقتصادی شستا است که در آن تمام محصولات پتروشیمی تولیدورانه بازارهای داخلی و خارجی می‌شود.» وی افزود: «دومین هلدینگ بزرگ شستا، هلدینگ دارویی تأمین (تیپیکو) است. ۴۰ درصد از تولیدات دارویی کشور ایران و ۷۰ درصد از مواد اولیه صنعت دارویی در این هلدینگ تولید می‌شود. ما در این دو هلدینگ بزرگ پروژه‌های توسعه‌ای بسیاری داریم. برای حدود ۱۰ میلیارد پور سرمایه‌گذاری برنامه‌ریزی شده و تلاش داریم در اجرای این پروژه‌ها زمینه همکاری با شرکت‌های اقتصادی اتریشی را هم فراهم سازیم. همچنین هلدینگ سیمانی شستا با در اختیار داشتن ۳۰ درصد از سهم بازار سیمانی کشور و کشتیرانی جمهوری اسلامی ایران که در حال بزرگ‌ترین توان حمل بار در خاورمیانه را به خود اختصاص داده است، از دیگر ظرفیت‌های شستا برای همکاری با شرکت‌های اتریشی است.» کریستوف گراب مایر مستشار بازرگانی سفارت اتریش نیز در این نشست با اشاره به راه‌آه جدی برای افزایش همکاری‌های اقتصادی میان ایران و اتریش گفت: «دیدار با مدیران هلدینگ‌های اقتصادی شستا و گفت‌وگو با آنها، نشان اعتماد جمهوری اسلامی ایران به کشور اتریش است. مانیز تمایل داریم همکاری اتریش و ایران را در روابط تجاری و اقتصادی توسعه دهیم.»

**دستمزد منطقه‌ای از دیرباز دارای موافقان و مخالفانی بوده و است؛ لکن صرف نظر از دیدگاه‌های موافق و مخالف و بافوائد و مضار آن، متأسفانه هیچ‌گاه به پیش‌نیازها، الزامات و مقدمات (بافرض تأیید و تصویب قانون در مجلس و یا در شورایعالی کار) پرداخته نشده است**

• تضمین و تأمین مالی «حد کفاف» یا حداقل معیشت و حداقل کیفیت زندگی (تأمین نیازهای اساسی و اولیه) برای افراد غیر قابل توانمندسازی (جمعیت غیرفعال) ۱۰- در حال حاضر چنانچه دولت برای بیمه‌بازنشستگی یک روستایی، فارغ از میزان استطاعت و استحقاق و فارغ از اینکه شاغل باشد و یا نباشد از طریق صندوق بیمه اجتماعی کشاورزان، روستاییان و عشایر ماهانه ۱۹۰ هزار تومان حق بیمه او را تقبل می‌کند (بر پایه ۱۹۰۰۰/۱۰۰۰ تومان مبنای کسر حق بیمه)، اما اگر همین روستایی کارگر و مشمول قانون تأمین اجتماعی باشد، چنانچه دستمزد توافقی او طبق طرح پیشنهادی نمایندگان ۵۰۰/۰۰۰ تومان یا ۱/۰۰۰/۰۰۰ تومان تعیین شود، دولت بابت این کار گسر ۱۵ هزار تومان یا ۳۰ هزار تومان می‌پردازد (سهم‌الشرک دولت در بیمه تأمین اجتماعی ۳ درصد است؟! صرف نظر از بارانه‌ها، کمک‌ها و حمایت‌هایی که به صورت غیرهدفمند و بدون انجام آزمون و سنجش به ساکنان در روستاها انجام می‌پذیرد. فارغ از نظرات موافق و مخالف «دستمزد منطقه‌ای» و صرف نظر از اینکه طرح نمایندگان مجلس، «دستمزد توافقی» است، نه «دستمزد منطقه‌ای»، به نظر می‌رسد نمایندگان محترم مجلس شورای اسلامی بایستی به ابهامات و سؤالات فوق پاسخ دهند؛ چرا که هر قانونی بایستی جامع و مانع باشد (یعنی جامع احباب و مانع اغیار)؛ لذا اگر نیت طراحان محترم، کمک به اقدشار بیکار روستایی یا کمک به توسعه اشتغال در روستاها است بایستی یا متن قانون را به گونه‌ای بنویسند تا مورد سوءاستفاده و مصادره به مطلوب قرار نگیرد. همچنین بایستی به پیش‌نیاز و مقدمات آن توجه کنند و علی‌النهایه چنانچه نمایندگان محترم قبل از طرح این قبیل موضوعات، ششکله‌ی زیرساخت‌ها و پیش‌نیازهای حوزه کار، اشتغال، کارآفرینی، محیط کسب‌و کار و... را از دولت مطالبه کنند، بهتر است تأمین اجتماعی یا شناسنامه اقتصادی- اجتماعی خانوار یا شناسنامه الکترونیک کار و نیز شکل‌گیری نظام متمرکز تأمین اجتماعی با فراگیری کف حمایت بیمه اجتماعی و تضمین و تأمین مالی آن از سوی دولت است که می‌توان با حصول اطمینان از حسن جریان امور، نسبت به اعمال اصلاحات در قانون کار و... اقدام کرد.

### تعادل منابع و مصارف تأمین اجتماعی

از منظر بیمه‌ای و اثرات طرح پیشنهادی بر تعادل منابع و مصارف و تنظیم ورودی‌ها و خروجی‌های سازمان تأمین اجتماعی نیز حائز ایرادات زیادی است؛ اولاً به طور کلی در دنیا وقتی به هر دلیل و با هر مستمسکی و با هر رویکردی، قصد ترقیق قانون کار را دارند، قبل از مبادرت به این کار نسبت به تقویت نظام تأمین اجتماعی به‌ویژه برای اقدشار فرودست جامعه اقدام می‌کنند. تجارب علمی و علمی موفق دنیا حاکی از آن است که ترقیق و تضعیف همزمان قانون کار و قانون تأمین اجتماعی میسر نیست، اما طرح موصوف هر دو قانون را تضعیف می‌کند. یک مثال ملموس در این زمینه، بیمه کارگران ساختمانی است که در...

**ایرادات و ابهامات**  
اگر طرح پیشنهادی مصوب و بدون فراهم‌سازی مقدمات فوق به اجرا گذاشته شود، ایرادات و ابهامات زیر به وجود می‌آید:  
۱- در بسیاری از مناطق کشور، مرزبندی مشخصی بین روستاها و شهرهای همجوار وجود ندارد. در حال حاضر نیز بافت‌های روستایی در جوف شهرها و کلانشهرها وجود دارند و این پدیده حتی در شهر تهران نیز مشاهده می‌شود و در حال حاضر بسیاری از مناطق حاشیه شهر تهران، هنوز از نظر تقسیمات کشوری بافت روستایی محسوب می‌شوند.  
۲- بسیاری از مناطقی که در حال حاضر شهر نامیده می‌شوند (روستاها) که با فشار نمایندگان و یا مقامات مجلس اسم شهر بر آنها نهاده شده است) که از نظر مختصات و امکانات شهری از بسیاری روستاها عقب‌تر هستند.  
۳- در حال حاضر بسیاری از ساکنان شهرها، روزانه برای اشتغال به روستاها مراجعه می‌کنند.  
۴- در حال حاضر بسیاری از افرادی که در روستاها ساکن هستند، روزانه برای اشتغال به شهرها مراجعه می‌کنند.  
۵- اگر طراحان طرح معتقدند روستاها محروم هستند، پس حکم مناطق عشایری چه می‌شود و حکم مناطق کشاورزی (مزارع و باغات که در حکم روستا نیستند؟) ۶- تکلیف کارمندان بخش‌های حاکمیتی، دولتی و عمومی که در روستاها اشتغال دارند، چه می‌شود؟ مگر می‌شود نطفاتجی که در مدرسه روستایی کار می‌کند، حداقل دستمزد مصوب کارگری یا کارمندی را بگیرد، اما نطفاتجی که در کارگاه بخش خصوصی کار می‌کند، دستمزد منطقه‌ای بگیرد؟  
۷- آیا فقط اطلاق روستا نشانه محرومیت است؟ این طرح، حالتی است که در حال حاضر بعضی از روستاها که مزیت‌های گردشگری، صنایع دستی، مرغوبیت ملکی و... دارند، به لحاظ سطح رفاه از بسیاری از شهرها و مناطق شهری در وضعیت بهتری به سر می‌برند.  
۸- اگر ملاک فقر و محرومیت افراد و خانواده‌ها باشد، در بسیاری از محلات واقع در حاشیه شهرها، میزان فقر از مناطق روستایی بیشتر است.  
۹- در حال حاضر بعضی از روستاییان در شهرهای همجوار روستای محل سکونت خود، صاحبخانه و یا ماشین گرانیقیمت هستند و آن را به کارمندان و کارگران شهری اجاره داده‌اند؛ حال چرا بایستی موجد مشمول دستمزد روستایی و مستأجر مشمول دستمزد شهری گردد؟! لذا به نظر می‌رسد قبل از هر چیزی می‌بایست نسبت به تمهید و تدارک زیرساخت‌های لازم و ضروری در حوزه کار و رفاه اجتماعی اقدام لازم صورت گیرد که شامل این موارد است:  
• شکل‌دهی پرورنده الکترونیک رفاه و تأمین اجتماعی یا شناسنامه اقتصادی - اجتماعی الکترونیک یا شناسنامه کار الکترونیک مبتنی بر کد ملی و کد پستی برای تمام افراد جامعه.  
• نظام چندلایه تأمین اجتماعی و یا در حداقل شرایط ایجاد فراگیری در برقراری پوشش سطح پایه بیمه‌های اجتماعی با تضمین و تأمین مالی آن از سوی دولت بر اساس آزمون و سنجش برای جامعه فعال و در سن کار و افراد قابل توانمندسازی.

موضع کارگر در این شرایط عرضه و تقاضای فرصت‌های شغلی در پی ندارد. لذا بایستی دقت کرد که این طرح «دستمزد منطقه‌ای» نیست بلکه «دستمزد توافقی» و حذف کامل حداقل دستمزد در مناطق روستایی است؛ چرا که اگر طراحان محترم طرح به دنبال «دستمزد منطقه‌ای» بودند بایستی حکم به عدم شمول تبصره (۱) ماده (۴۱) نمی‌دادند و برای حداقل دستمزد در روستاها شاخصی یا نسبت و یا عدد مشخصی را تعیین می‌کردند. مثلاً ۵۰٪ حداقل دستمزد شهری و قس علیهذا، لذا این طرح دستمزد منطقه‌ای نیست بلکه دستمزد توافقی است و حذف کامل حداقل دستمزد مصوب و شناورسازی دستمزد‌ها.

### شروط پیاده‌سازی دستمزد منطقه‌ای

دستمزد منطقه‌ای از دیرباز دارای موافقان و مخالفانی بوده است؛ لکن صرف نظر از دیدگاه‌های موافق و مخالف و با فواید و مضار آن، متأسفانه هیچ‌گاه به پیش‌نیازها، الزامات و مقدمات پیاده‌سازی آن (بافرض تأیید و تصویب قانون در مجلس و یا در شورایعالی کار) پرداخته نشده است. دو شرط لازم و ضروری برای پیاده‌سازی دستمزد منطقه‌ای عبارت‌ند از:

الف- شکل‌گیری نظام چندلایه تأمین اجتماعی (امدادی، حمایتی و بیمه‌ای) با تضمین و تأمین مالی (شناسنامه کار الکترونیک به نحوی که دربرگیرنده توانمان و همزمان اطلاعات هویتی (کدملی)، اطلاعات موقعیتی و ژئوماتیک (کدپستی) و اطلاعات مربوط به وضعیت شغلی و کسب‌و کار (کدشغلی) باشد.  
این دو موضوع، پیش‌نیازهای اساسی و اصلی دستمزد منطقه‌ای است و تا این دو پیش‌نیاز فراهم نشود، اجرای دستمزد منطقه‌ای میسر نیست.

• اولاً شکل‌گیری نظام چندلایه تأمین اجتماعی به‌ویژه تأمین سطح پایه آن برای آحاد جامعه به‌ویژه اقدشار ضعیف بر اساس اصول متعدد قانون اساسی از جمله اصل سوم ۱ بندهای (۹ و ۱۲) و اصل چهارم و سوم (بندهای ۱ و ۲) و اصل (۲۱ و ۲۹) قانون اساسی جزو تکالیف دولت و حقوق مردم است.

• ثانیاً بر اساس اصل ۴۳ (بندهای ۲ و ۳، و به‌ویژه بند ۴) قانون اساسی که صراحت به «جلوگیری از بهره‌کشی از کار دیگری» دارد و اصل (۲۸) و اصل (۴۰) (منع اضرار به غیر)، ایجاد شناسنامه کار به لحاظ لزوم صیات از نیروی کار (کارگر، کارمند، آزادکار، کارپذیر و...) امری لازم و ضروری بوده و هست. به عبارت دیگر، شکل‌گیری کارت یا شناسنامه الکترونیک کار فارغ از اینکه دستمزد منطقه‌ای را قبول داشته باشیم یا نداشته باشیم، یکی از تکالیف دولت بوده و است و چنانچه بخواهیم به سمت دستمزدهای منطقه‌ای حرکت کنیم، شکل‌دهی شناسنامه الکترونیک کار که مبتنی بر کدملی و کد پستی (محل سکونت) باشد، ضرورت و الزام بیشتری می‌یابد.

طرح مزبور را می‌توان طرح «دستمزد توافقی» یا طرح «شناورسازی حداقل دستمزد» دانست. به عبارت دیگر، طرح مزبور یک نوع قانونگذاری اضافی و زاید و توضیح واضحات است؛ چرا که اساساً موضوع دستمزد منطقه‌ای در متن ماده (۴۱) قانون کار مصوب سال ۱۳۶۹ صراحتاً آمده است، لذا مجلس می‌تواند به جای مطرح کردن یک طرح جدید، اجرای مفاد ماده (۴۱) قانون کار را از مسئولان و متولیان مربوطه مطالبه و از ابزارهای قانونی خود برای اجرای قانون مصوب استفاده کند. ماده (۴۱) قانون کار اشعار می‌دارد:

«شورایعالی کار هر سال موظف است، میزان حداقل مزد کارگران را برای نقاط مختلف کشور و یا صنایع مختلف با توجه به معیارهای ذیل تعیین کند:

۱- حداقل مزد کارگران با توجه به درصد تورمی که از طرف بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران اعلام می‌شود.

۲- حداقل مزد بدون آنکه مشخصات جسمی و روحی کارگران و ویژگی‌های کار محول شده را مورد توجه قرار دهد، باید به اندازه‌ای باشد تا زندگی یک خانواده که تعداد متوسط آن توسط مراجع رسمی اعلام می‌شود را تأمین کند.

**تبصره-** کارفرمایان موظفند در ازای انجام کار در ساعات تعیین شده قانونی به هیچ کارگری کمتر از حداقل مزد تعیین شده جدید پرداخت نکنند و در صورت تخلف، ضامن تأدیه مابه‌التفاوت مزد پرداخت شده و حداقل مزد جدید هستند.» همان‌طور که ملاحظه می‌شود، حکم قانونی برای اعمال دستمزد منطقه‌ای وجود داشته و دارد و تصویب طرح مزبور به نوعی توضیح ماده (۴۱) و نیز تخصیص و محدودسازی آن به روستاها است؛ لکن نکته اصلی این است که در طرح مزبور قرار نیست دستمزد منطقه‌ای اعمال شود؛ مثلاً دستمزد روستایی، کسری از دستمزد شهری باشد، بلکه قرار است حداقل دستمزد در مناطق روستایی شناور شود و مبتنی بر دستمزد توافقی باشد.

### الحاق تبصره به ماده (۴۱)

طرح پیشنهادی تحت عنوان طرح الحاق یک تبصره به ماده (۴۱) قانون کار اشاره می‌دارد: «تبصره ۲- کارفرمایان مشاغل ایجاد شده در روستاها با کمتر از ۱۰ نفر کارگر از شمول حداقل مزد موضوع تبصره ۱ این ماده مستثنی هستند. پرداخت مزد، حق بیمه و سایر مزایای متعلقه کارگران این مشاغل بر اساس قرارداد فی مابین بوده و صندوق تأمین اجتماعی متناسب با مبلغ دریافتی، ملزم به ارائه خدمات است.»

در واقع این طرح دستمزد منطقه‌ای نیست بلکه دستمزد توافقی است و می‌تواند بین یک ریال تا حداقل دستمزد مصوب در نوسان باشد. این طرح در واقع حداقل دستمزد را به طور کلی در مناطق روستایی از بین برده است. بدین معنا که کارفرما می‌تواند با کارگر روستایی قراردادی منعقد کند و میزان مزد توافقی را «یک ریال» یا معادل یک قرص نان در روز یا معادل یک شاخه نبات در قرارداد قید کند و احتمالاً سازمان تأمین اجتماعی هم بایستی یک قرص نان یا یک شاخه نبات را در سبد مستمری خود تعریف کند؟! و حال آنکه اعمال دستمزد توافقی در بازار کار امروز و نرخ بالای بیکاری نتیجه‌ای جز تضعیف